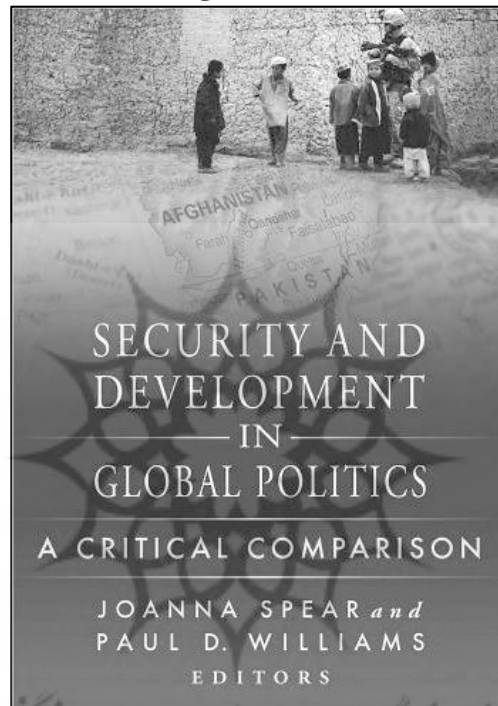


معرفی و نقد کتاب
امنیت و توسعه در سیاست جهانی
مقایسه انتقادی^۱



پژوهش‌کننده: محمد رضا اقارب پرست^۲

1. Joanna Spear and Paul D. Williams (2012), *Security and Development in Global Politics: A Critical Comparison*, Georgetown: Georgetown University Press

۲. مربی و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا (aghareb@iaush.ac.ir)

مقدمه

مقوله‌ی توسعه یکی از مهمترین مباحث مطالعات سیاست بین‌الملل است که چندین دهه متفکران حوزه‌های روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی را به خود مشغول داشته است. اما ارتباط این مبحث مهم با امنیت، کمتر مورد توجه بوده و متفکران بیش از آنکه تبعات امنیتی آن را مورد توجه قرار دهند، در صدد تجویز توسعه و یا انتقاد از آن برآمده‌اند. بی‌شک توسعه پدیده‌ای است که تبعات فراوان و گسترده‌ای را بر شئون داخلی یک کشور و نوع ارتباط آن با سایر کشورها خواهد گذاشت؛ از این رو بحث در مورد ارتباط توسعه و امنیت بحثی است بسیار مهم و شایسته‌ی توجه، که نویسندگان این اثر با در این اهمیت تلاش می‌کنند تا نظرات مختلف در این باب را مطرح کرده و در قالب مقایسه، داوری را به مخاطبان خود واگذار کنند.

معرفی اجمالی اثر

کتاب امنیت و توسعه در سیاست جهانی، کتابی است که در شانزده فصل و هفت بخش به قلم دکتر جوانا اسپیر و پاول ویلیامز دو دانشیار دانشگاه جورج تاون با سابقه‌ی فراوان در تألیف کتاب و مقاله در حوزه‌ی امنیت گردآوری شده و توسط انتشارات دانشگاه جورج تاون در ۳۳۴ صفحه به چاپ رسیده است.

این کتاب در حقیقت مجموعه‌ای از مهمترین نظریات مطرح شده در باب ارتباط دو مقوله‌ی مهم توسعه و امنیت است که به شکلی قابل توجه و در قالب مقایسه‌ی تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های متفاوت را کنار هم قرار دهد و با شکافتن این دیدگاهها و بحث در باب آنها، نقاط قوت و ضعف آنها را آشکار کند. در هر بخش دیدگاههای متفاوت از بعد امنیت و توسعه مطرح شده و پس از آن مؤلفین با مطرح کردن نظرات خود به جمع بندی موضوع پرداخته‌اند.

مؤلفین اثر در مقدمه، بحث خود را با بررسی علل توجه به ارتباط مقوله‌ی امنیت و توسعه آغاز می‌کنند. و خط مشی خود را در تنظیم فصول این کتاب مشخص می‌کنند. فصل نخست این کتاب که به قلم مؤلفین کتاب نگارش شده است، به تبیین مفهومی امنیت و توسعه می‌پردازد. در این فصل ادبیات مربوط به ارتباط مقوله‌ی امنیت و توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ البته مؤلفین کتاب تلاش می‌کنند تا در کنار کارهای تئوریک صورت گرفته نتایج تحقیقات تجربی و میدانی را نیز مورد توجه قرار دهند.

فصل دوم و سوم با پرداختن به بحث کمک^۱ ابعاد مختلف این مسأله را مورد توجه قرار داده است. از دید نگارندگان فصول، دیدگاه امنیتی در کمک به کشورها همواره حاکم بوده و قبول کمک نیز همواره با نگرانی‌های امنیتی همراه است. پرداختن مؤلفین کتاب به مسأله‌ی کمک‌های بشر دوستانه در بخش بعد به تکمیل بحث کمک فراوانی کرده است. در این بخش، فصل چهارم که از دیدگاه امنیتی نگارش شده است، به این مسأله می‌پردازد که کمک‌های بشر دوستانه چه تبعات امنیتی به دنبال خواهد داشت. از دیدگاه نگارندگان کشورهایی که کمک‌های بشر دوستانه را دریافت می‌کنند، همواره نگران از تبعات امنیتی این کمک‌ها هستند. البته تجربه نشان می‌دهد که این نگرانی بی‌مورد نیست. نویسندگان با بررسی مطالعه‌ی موردی سومالی نشان می‌دهند که به طور معمول کمک‌هایی که به کشورهای فقیر در جهت توسعه‌یافتگی صورت می‌پذیرد معمولاً اهدافی سیاسی را در پس خود دارد. در فصل پنجم که از دیدگاه توسعه به موضوع کمک‌های بشر دوستانه پرداخته، این کمک‌ها را برای کشورهای نیازمند مفید دانسته و مرهمی بر دردهای ایشان می‌داند. از طرفی امکان تغییر وضعیت این کشورها را از طریق این کمک‌ها محتمل می‌داند.

بخش سوم، موضوع حاکمیت را مورد بررسی قرار داده است. نگارندگان این بخش بر این باورند که، اگرچه نگرانی در مورد دولت‌های ورشکسته^۲ هم از منظر امنیت و هم از دیدگاه

1. Aid
2. Failed States

توسعه وجود دارد؛ اما دستور کار آنها در قبال دولتهای ورشکسته متفاوت است. از این رو ابتدا از منظر امنیتی نقش حیاتی و حساس حاکمیت در مقاطع زمانی مختلف که یک کشور با جنگ داخلی روبروست مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده‌ی فصل ششم به تبیین روندهایی می‌پردازد که در آن حکومت‌های درگیر در جنگ‌های داخلی با برگزاری انتخابات دموکراتیک تلاش می‌کنند تا شعله‌های جنگ را فرونشاندند و نیروهای خارجی را از کشور خارج کنند. در فصل هفتم که از دیدگاه توسعه به موضوع پرداخته و نقش حاکمیت در برقراری اقتدار و ایجاد نهادهایی که بتوانند به تخصیص منابع مبادرت ورزند و حیات جامعه را تضمین کنند، را مورد بررسی قرار داده است.

بخش چهارم، به مسأله‌ی بهداشت پرداخته است. در دو فصل این بخش که مانند بخشهای قبل از دیدگاه امنیت و توسعه به مسأله نگاه کرده در تعریف چالش‌هایی که فراروی بهداشت در کشورهای در حال توسعه وجود دارد، اتفاق نظر وجود دارد؛ اما در حالیکه فصل هشتم به مسأله‌ی بهداشت از دید امنیتی نگاه کرده و سیاست‌هایی که در این باب تنظیم می‌شود را متأثر از مؤلفه‌های مختلف می‌داند، فصل نهم از دید توسعه به مسأله نگاه کرده و بر این باور است که این نوع سیاست‌گذاری‌های بهداشتی به منظور بهبود شرایط افراد این جوامع که نیازمند توجه شدید هستند در کوتاه مدت سودمند نیست و ایشان نیازمند توجه سریع و مستقیم هستند.

در بخش پنجم به مسأله‌ی فقر پرداخته شده است. در فصل دهم، نگارنده تلاش کرده تا رویکردهای مختلفی که در تعریف فقر وجود دارد را تعریف کرده و پس از آن ریشه‌های تهدیدزایی این پدیده را برای امنیت در سطوح فردی، ملی و جهانی تبیین نماید. در فصل یازدهم نیز که از دیدگاه توسعه نگاشته شده، نویسنده پس از تعریف فقر در تبیین راه‌های مهار آن توسعه‌ی اقتصادی پایدار را مهمترین راه حل معرفی می‌کند.

در بخش ششم موضوع تجارت و منابع از دو دیدگاه امنیت و توسعه مورد توجه قرار گرفته است. در فصل دوازدهم، نویسنده سه بعد تجارت و منابع را که بر حوزه‌ی امنیت تأثیرگذار است مورد توجه قرار داده است؛ شبه نظامیانی که منابع مالی خود را از طریق تجارت و انتقال منابع تأمین می‌کنند؛ بازیگران فراملی که با تجارت غیر قانونی ثروت‌های عظیمی را کسب می‌کنند، و در نهایت چالش ژئواستراتژیکی که چین با در اختیار گرفتن صادرات جهانی در مقابل آمریکا ایجاد کرده است. در مقابل فصل سیزدهم، از دید توسعه تلاش می‌کند تا راهکارهایی که از طریق تجارت سالم بتوان توسعه‌ی اقتصادی را برای کشورها به همراه آورد، تبیین نماید.

نهایتاً بخش هفتم، به بحث جمعیت‌شناسی اشاره کرده است. دو فصل چهاردهم و پانزدهم که به لحاظ درونمایه اطلاعات بسیار شبیه به هم هستند، اما در اینکه کدام بعد این مسأله شایسته‌ی توجه می‌باشد، با هم تفاوت دارند. فصل چهاردهم به مشکلات امنیتی مرتبط با ترکیب‌های جمعیتی می‌پردازد و مسایلی چون گسترش بیماری‌های خطرناک و مهاجرت‌های غیرقانونی را چالش‌های امنیتی در این راستا معرفی می‌کند که باید با آن برخورد شود در حالیکه در فصل پانزدهم به مسأله‌ای حساس اشاره می‌کند که همان مسأله‌ی سالمندان است. نویسنده‌ی این فصل با اشاره به وضعیت جهان غرب و چین، قسمت قابل توجهی از جامعه‌ی یعنی سالمندان را مورد توجه قرار می‌دهد که قادر به تولید نیستند و قسمتهای قابل توجهی از منابع جامعه را مصرف می‌کنند. نگارنده از دیدگاه کاملاً ماتریالیستی این بخش از جامعه را به عنوان ترمزهای توسعه و رشد اقتصادی معرفی می‌کند.

نهایتاً در فصل شانزدهم یا نتیجه‌گیری مؤلفان کتاب دوباره به سؤالی که در مقدمه اشاره کرده بودند، می‌پردازند که رابطه‌ی بین دو حوزه‌ی توسعه و امنیت چیست؟ در نهایت

پاسخ مؤلفان این است که این دو حوزه در برخی قسمت‌ها با هم همپوشانی دارند که این قسمت‌ها موضوعاتی حساس را در سیاست جهانی امروز تشکیل می‌دهد.

تحلیل و ارزیابی کتاب

در مورد نقد اثر در بدو امر باید بر این نکته تأکید کرد که، موضوعی که این کتاب بدان پرداخته، یکی از مهمترین و قابل توجه‌ترین موضوعات روز روابط بین‌الملل است. ارتباط دو مقوله‌ی توسعه و امنیت به رغم اهمیت وافر، تا کنون کمتر مورد توجه و بررسی بوده است.

از سوی دیگر نوع نگارش اثر قابل توجه است؛ بدین معنی مطرح کردن دیدگاه‌های بعضاً متعارض در باب موضوعات مختلف از دو منظر امنیت و توسعه، چیزی نیست که بتوان در کتاب‌های متعدد یافت. از سوی دیگر جمع‌بندی‌های هوشمندانه در انتهای هر بخش که مؤلفان کتاب به نگارش آن همت گمارده‌اند از نقاط قوت جدی این کتاب است.

پراختن به دیدگاه‌های انتقادی از دیگر نقاط قوت این کتاب است. این کتاب شاید جزو معدود آثاری است که دیدگاه‌هایی این‌چنین انتقادی را در باب امنیت و توسعه مطرح می‌کند و به مانند یک میزگرد داغ در نهایت نظریات متعارض را جمع‌بندی می‌کند که این نیز در نوع خود جاذبه‌ی شدیدی را برای مخاطب ایجاد می‌کند.

پیوستگی و انسجام فصول از دیگر نقاط قوت اثر است. دقت نویسنده در نحوه‌ی ورود به بحث و مطرح کردن مباحث چالشی، مخاطب را از هر لحاظ آماده می‌سازد که به راحتی مرجع خارجی مباحث تئوریک مطرح شده توسط نویسنده را در ذهن خود باز یابد. از سوی دیگر دقت نظر نویسنده در پرداختن به موضوعات مختلف قابل توجه است به طوری که مخاطب اثر، پاسخ بسیاری از سؤالات خود را در مطالعه‌ی فصول مختلف اثر خواهد یافت.

اما به رغم شایستگی‌ها و قوت این اثر نقاط تیره‌ای نیز به عنوان ضعف در آن می‌توان یافت. به عنوان مثال به نظر می‌رسد رویکردهای فرهنگی در هر دو موضوع امنیت و توسعه مغفول واقع شده است. از سوی دیگر دیدگاه کاملاً ارزش‌گریز در مواجهه با موضوعات کار را برای نویسندگان به جایی می‌رساند که با دیدگاهی کاملاً مادی‌گرایانه سالخوردگان را ترمزهای توسعه توصیف می‌کند. این نوع برخورد با موضوعات در روابط بین‌الملل اگر چه با منطق مادی قابل درک است، اما از منظر انسانی و ارزشی هیچ توجیهی ندارد. از این رو غلبه‌ی شدید تفکرات اثبات‌گرایانه درون‌مایه اثر را در حد نظریات رئالیستی تقلیل داده است. البته درک این مسأله به دلیل آن که نگارندگان اثر، سال‌ها درگیر مطالعات امنیت پژوهی و متأثر از پارادایم واقع‌گرایی بوده‌اند، قدری قابل درک است. در پایان با توجه به اهمیت موضوع، غنای اثر و توانایی نویسندگان در تبیین رابطه‌ی توسعه و امنیت، مطالعه‌ی این اثر به دانش پژوهان مطالعات امنیت و توسعه و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، و مطالعات منطقه‌ای توصیه می‌شود.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی